



# کلیات تاریخ و تمدن هخامنشی

دکتر مهرداد نوری مجیری (خواجه نوری)

---

# کلیات تاریخ و تدنی ہجتیشی

---

دکتر مرداد نوری مجیری (خواجہ نوری)

---



---

عنوان و نام پدیدآور:	نوری مجیری، مهرداد، ۱۳۵۱	میراثنامه:
مشخصات نشر:	کلیات تاریخ و تمدن هخامنشی - مهرداد نوری مجیری	
مشخصات ظاهری:	تهران؛ ندای تاریخ، ۱۴۰۱	
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۶۳-۵	
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبا	
رده بندی کنگره:	DSR۲۱۹	
رده بندی دیوبی:	۹۵۵/۰۱۴	
شماره کتابشناسی ملی:	۹۱۳۹۲۷۳	

---



## کلیات تاریخ و تمدن هخامنشی

پدیدآورنده: دکتر مهرداد نوری مجیری (خواجه نوری)

صفحه آرایی: یوسف عزیزی مایوان

نظرات: موسسه و انتشارات ندای تاریخ

طراح جلد: ندا آقاجانی اولونی

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراز: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۷۵-۶۳-۵

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

راههای ارتباطی:

تلفکس: ۰۲۱۶۶۴۰۹۰۲۵

سایت: <https://nedayetarikh.com>

ایستاگرام: nedaye\_tarikh

حق چاپ محفوظ و در اختیار موسسه و انتشارات ندای تاریخ است.

بـ ۱۰

به نام یزدان

دروود بر عشق و پاکدلی با فروتنی و آرامش که خواست و آرزوی درونی ماست

گات‌ها - هات ۴۹ بند ۱۰

## فهرست مطالب

۱۱.....	مقدمه
۱۵.....	کلیات جغرافیایی سرزمین پارس .....
۱۶ .....	موقعیت جغرافیایی و وسعت.....
۱۶ .....	آب و هوای .....
۱۷ .....	آب و هوای زاگرس شمالی و مرکزی .....
۱۸ .....	زاگرس جنوبی فارس.....
۱۹ .....	باد .....
۱۹ .....	خاک .....
۲۰ .....	دریاچه ها.....
۲۳ .....	روودخانه ها.....
۲۶.....	کوه ها و ناهمواری ها.....
۲۷.....	زمین شناسی.....
۲۹.....	پوشش گیاهی و جانوری .....
۳۰ .....	جغرافیای تاریخی پارس - ایران در عصر هخامنشی .....
۳۳ .....	معناشناسی واژه پارس .....
۳۷.....	تاریخ سیاسی هخامنشی .....
۳۷.....	آغاز کار پارس ها.....
۴۲.....	کورش دوم (۵۵۹-۵۳۰ ق.م.) .....
۴۷.....	فتح ماد .....

۴۸	فتح لودیه.
۵۱	فتح آسیای صغیر و نخستین برخورد با یونان.
۵۲	فتح مناطق شرقی و غربی و آسیای مرکزی.
۵۳	فتح بابل.
۵۶	اقدامات کورش پس از فتح بابل.
۵۹	سیاست خارجی کورش.
۶۰	سرنوشت کورش بعد از فتح بابل.
۶۴	کمبوجیه دوم (۵۲۹-۵۲۲ ق.م.)
۶۵	قتل بردهایا.
۶۷	سیاست کمبوجیه
۶۹	تصرف مصر
۷۱	کمبوجیه پس از فتح مصر.
۷۵	اغتشاش بردهایا (گنوماتای مغ).
۷۹	داریوش اول (۵۲۲-۴۸۶ ق.م.)
۸۷	اقدامات داریوش پس از سرکوب شورشها.
۹۰	خشترپاون (ساتراپ)....
۹۹	خشیارشا (۴۸۶-۴۶۵ ق.م.)
۱۰۵	علل عدم پیروزی ایرانیان در جنگ با یونان.
۱۰۸	بازگشت خشیارشا به ایران.
۱۱۰	اردشیر اول (۴۶۵-۴۲۴ ق.م.)
۱۱۶	خشیارشا دوم (۴۲۴ ق.م.)
۱۱۶	سغدیان (۴۲۴ ق.م.)
۱۱۷	داریوش دوم (۴۲۴-۴۰۴ ق.م.)
۱۲۰	اردشیر دوم (۴۰۴-۳۵۹ ق.م.)
۱۲۵	اردشیر سوم (۳۵۹-۳۳۸ ق.م.)
۱۲۸	آرسن (۳۳۸-۳۲۶ ق.م.)
۱۲۸	داریوش سوم (۳۳۰-۳۳۶ ق.م.)
۱۳۰	نبرد گرانیک
۱۳۲	نبرد ایسوس
۱۳۴	نبرد گوگمل و سرنوشت داریوش سوم.
۱۳۸	نظام سیاسی هخامنشی
۱۵۷	فرهنگ و تمدن هخامنشی
۱۵۸	خط و زبان.

۱۵۹	خط و زبان ایلامی
۱۶۱	خط و زبان مادی
۱۶۴	پارسی باستان
۱۶۸	خط و زبان آرامی
۱۷۱	خط و زبان اکدی (بابلی)
۱۷۳	خط و زبان مصری
۱۷۴	خط و زبان یونانی
۱۷۵	کتبه‌های هخامنشی
۱۸۸	دین و اعتقادات مذهبی
۱۸۸	دین هخامنشی
۱۹۷	مغان و روحانیون در دوره هخامنشی
۲۰۲	معابد دوره هخامنشی
۲۰۴	تندیف در عصر هخامنشی
۲۰۸	خانواده و ساختار اجتماعی آن
۲۱۱	مقام زن
۲۱۵	ازدواج
۲۱۷	تعلیم و تربیت
۲۱۹	تریبیت کودکان از یک تا پنج یا هفت ساله
۲۱۹	از هفت تا پانزده سال
۲۲۰	از شانزده تا بیست یا بیست و چهار ساله
۲۲۱	تریبیت اجتماعی
۲۲۱	تریبیت شخصی و اخلاقی
۲۲۳	تریبیت شغلی و حرفه‌ای
۲۲۴	تریبیت دینی
۲۲۶	پژوهشگی
۲۳۱	اوخارهورسینت
۲۳۱	دموکلیس (دموکلیس)
۲۳۲	ژرمه‌که
۲۳۲	آپولونیدس
۲۳۲	کتزیاس
۲۳۳	پولیکرتوس
۲۳۴	طبقات اجتماعی
۲۳۶	شاه و خاندان‌های بزرگ و اشراف

۲۳۸	طبقه متوسط (آزادان - نیمه آزادان)
۲۳۹	روحانیون
۲۴۰	کورش (کوردبیش)
۲۴۳	تشکیلات اداری
۲۵۵	راهسازی و ارتباطات
۲۶۳	پایتخت‌ها
۲۶۵	انشان
۲۶۶	پاسارگاد
۲۷۲	بابل
۲۷۵	هگمتانه
۲۷۶	شووش
۲۸۰	تخت جمشید (پارسه)
۲۸۷	نظام حقوقی و قضایی
۲۹۰	قانون و مجازات در دوره هخامنشی
۲۹۲	انواع مجازات
۲۹۶	قضات - دادگاه و داوری
۲۹۹	نظام اقتصادی
۳۰۳	نظام بانکی
۳۰۵	نظام پولی
۳۱۰	مالیات و انواع آن
۳۱۹	اوزان و مقیاس
۳۲۵	حقوق و دستمزد
۳۳۰	کشاورزی
۳۳۵	دامداری
۳۳۶	حفر قنات و احداث سدها و پل‌ها
۳۴۱	تجارت، بازرگانی و صنعت
۳۴۴	معدن
۳۴۶	گاهشماری سنت و جشن‌ها
۳۵۲	سپاه و فنون نظامی
۳۵۳	فرماندهی جنگ
۳۵۴	پادگان‌های نظامی
۳۵۵	جمع آوری سپاه
۳۵۶	تسیمیات سپاه

۳۵۷	تشکیلات سپاه
۳۶۶	نیروی دریایی
۳۶۹	هنر هخامنشی
۳۷۱	معماری
۳۸۸	حجاری، پیکرتراسی و نقوش بر جسته
۴۰۳	فلزکاری
۴۰۴	طلا
۴۰۵	نقره
۴۰۵	مفرغ
۴۰۶	آهن
۴۰۶	مس
۴۰۷	قلع
۴۰۷	سرپ
۴۲۴	ظرف سنگی
۴۲۸	زیور آلات
۴۳۵	آجر و کاشی کاری
۴۴۲	سفالگری
۴۴۷	شیشه سازی، منبت کاری و مینا کاری
۴۵۱	نقاشی
۴۵۳	مهر سازی
۴۶۶	پارچه بافی
۴۶۸	پوشак
۴۷۵	قالی بافی
۴۷۷	موسیقی و ادوات آن
۴۸۱	کتابنامه



## مقدمه

تمدن ایرانی یکی از قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین تمدن‌های تاریخ بشری است و ایران‌زمین نیز به مثابه خاستگاه این تمدن در اعصار گوناگون، حکمرانی حکومت‌ها و سلسله‌های بی‌شماری را به خود دیده است که برخی از آن‌ها با برخورداری از مؤلفه‌هایی به سطح بالایی از شکوفایی دست یافته‌اند، در عین حال این سلسله‌ها با از دست دادن این مؤلفه‌ها به انحطاط کشیده شده‌اند. در این میان شاهنشاهی هخامنشی یکی از تأثیرگذارترین حکومت‌های حیات بشری بوده که به اوج قله‌های شکوفایی در دوران باستان دست یافته. تأسیس این شاهنشاهی با مؤلفه‌هایی چون، شاهی آرمانی دارای فرهای ایزدی که برگزیده اهورامزدا، عین شریعت، فاقد خودکامگی، رمزی از وحدت در کثرت، تساهل دینی که در ارتباط با اقوام و مذاهب گوناگون جلوه‌گر می‌شود، خردورزی که از موجبات پیشرفت فناوری و در کنار هم قرار گرفتن اقوام گوناگون شده است، قانون‌مداری و انسجام طبقات که در قالب فرمانروایی عادلانه که قوانین پیشینیان را ارج نهاده و نظم و نسق اجتماعی را بر هم نزد و یک فرمانروایی شایسته‌سالار است، ابتکاری بزرگ در تاریخ جهان بود. دولتی واحد و متصرف که تاسال‌ها فقط امپراتوری روم توانست با آن برابری کند.

پارسیان در آغاز در استپ‌های آسیای مرکزی تا اروپای شرقی ساکن و سوارکارانی ماهر بودند. آنان تا حدود ۱۰۰۰ ق.م به جنوب غربی ایران مهاجرت کردند. از نظر نژادی پارسیان از نژاد آریایی بودند. در سال ۷۰۰ ق.م آنان در ناحیه پارسوماش روی دامنه کوه‌های بختیاری در جنوب شرقی شوش ساکن شدند. بر اساس کتیبه‌های آشوری از سال ۷۳۱ ق.م تا ۶۶۲ ق.م آنان تحت انقیاد آشور بودند و در دوران پادشاهی فروریش (۶۵۵-۶۴۳ ق.م) تحت استیلای حکومت ماد قرار گرفتند. آنان به دنبال تکاپو و خردمندی کورش دوم

توانمندی‌هایشان رشد و نمو یافت و برای نخستین بار بینان‌های نخستین شاهنشاهی درجهان شکل پذیرفت و سیطره قدرت آن، سرزمین‌های اساطیری و تمدن‌ساز میان‌رودان (بین‌النهرین) و سرزمین اسرارآمیز اهرام سر به آسمان کشیده مصر را در نوردید و پژواک آوازه شکوه و عظمت‌ش بروکه المپ طنین‌انداز گردید و سربازان پارسی یکدیگر را در سرزمین فلسفه و هنر به تماشا نشته و از سال ۵۵۹ تا ۳۳۰ ق.م بازیگران حوادث سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی جهان کهن شدند.

از میان جانشینان کورش دوم؛ داریوش اول میراث داری توانمند و آگاه به حوادث سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی است. او شکوه و عظمت شاهنشاهی هخامنشی را صدچندان آراسته می‌سازد و سبک زمامداری و ساختار حکومت هخامنشی را نگ و لعب تازه می‌بخشد. باقدار روزافرون قدرت و گسترش سرزمین‌های شاهنشاهی در عصر داریوش، سازمان پیشرفت و گستردگی کارآمد درباری - اداری شکل می‌پذیرد، جامعه پویا می‌گردد و تحرك اجتماعی جاری می‌شود و طبقات اجتماعی سازمان‌مند و متزلت‌های اجتماعی برقرار می‌شود. خانواده جایگاه ویژه خود را در می‌یابد، تربیت افراد شکلی سازمان‌یافته و حکومتی می‌پذیرد، زنان وارد کارزارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی می‌گردند و دستان آنان هنر پارسیان را ظرافت و زیبایی می‌بخشد و برای نخستین بار حقوق انسانی - اجتماعی زن رعایت می‌شود. دلستگی پارسیان به علم، دانش و دانشمندان چشمگیر می‌شود و آموزش و مراکز آموزشی گسترش می‌یابند. تکاپوی عرصه‌های گوناگون اقتصادی، فرآگیر و فعل می‌شود و امنیت اقتصادی و روانی جامعه را فرامی‌گیرد. قانون و نظام قضایی، مدون و فرآگیر می‌شود. سپاهیگری شکل جدید و پیشرفت خود را می‌یابد. مذهب متعالی تر می‌گردد. همگام با تحولات اداری و اقتصادی، تشکیلات اجتماعی نیز در این عصر، دستخوش دگرگونی و تحول وسیع و عمیقی شد که به مقضای زمان و مکان انجام گرفت. زمان از جهت رویارویی تنگاتنگ با جهان غرب و ممالک تمدن و مکان از جهت گستردگی قلمرو و در اختیار گرفتن ملل واقع‌گوناگون شرق و غرب که هر یک دارای زندگی اجتماعی پیشرفت‌های بودند. در این عصر کشاورزی نیز در راستای کتاب مقدس اوستاستوده و آن را مهم‌ترین و والاترین کار شمرده و خدای بزرگ اهورامزدا از آن بیش از کارهای دیگر خشنود می‌شد. قسمتی از اراضی، ملک مردم بود و خود به زراعت آن می‌پرداختند و گاهی این خرده‌مالکان جمیعت‌های تعاونی کشاورزی از چند خانوار تشکیل می‌دادند و به صورت دسته‌جمعی به کاشتن زمین‌های وسیع می‌پرداختند. قسمت دیگر اراضی نیز متعلق به اشراف

و زمین داران بزرگ بود که دهقانان در برابر قسمتی از درآمد زمین به کشت و زرع مشغول بودند. قسمتی را نیز بندگان بیگانه زراعت می کردند. محصول عمده کشاورزی که مهم ترین ماده غذایی نیز محسوب می شد گندم و جو بود ولی گوشت فراوان می خوردند و شراب زیاد می نوشیدند.

هنر و معماری ایرانی نیز با شتابی چشمگیر به سوی پیشرفت و تکامل خیلی برمی دارد و شخصیت مستقل خود را پیدا می کند. این پیشرفت های چشمگیر هنری که برگرفته از سایر تمدن های هم جوار بود به نوعی پا به عرصه ظهور نهاد. آثار بر جای مانده از مکان های تاریخی آن دوره از جمله پاسارگاد، تخت جمشید، نقش رستم دلیلی بر این مدعاست. در این زمان به نسبت سایر پیشرفت ها و ترقیات، هنر مجسمه سازی و پیکرتراشی نیز بهتر و متقدم تر گشته و آن چه به عنوان ترثیبات و معماری قصر های پاسارگاد و تخت جمشید و شوش و نقش رستم و صخره های بیستون به دست آمده از نظر هنری و موزون بودن اجزاء، همگان پیشرفت صنعت و هنر معماری و استادی هنرمندان این عصر را آشکار می سازد. حجاری و نقش بر جسته این دوره نیز علاقه ایرانیان را به حیوانات و مهارت و استادی صنعتگران و تعیین مقیاس و هم آهنگی و تجسم حرکت در تصاویر جمعی را به خوبی نشان می دهد.

در این دوره موسیقی در مراض مذهبی و زندگانی اجتماعی ایرانیان سهم زیادی داشته و گات ها در واقع یکی از کهن ترین ترانه های ایران باستان و جهان است. زرتشت قسمت مهمی از کتاب خود (گات ها) را به صورت سروده های ساده بیان کرده تا بهتر بر دل ها بنشیند و کلمات گاه در چهارگاه و پنج گاه در موسیقی امروز ایرانی از همان کلمه گات است که در پهلوی گاس و در فارسی دری به صورت گاه درآمده است. سرانجام این تمدن باشکوه که کورش کبیر بنیان گذار آن بود و داریوش آن را به انسجامی بی مانند رسانید، در زمان داریوش سوم آخرین شاه هخامنشی و در پی جنگ های متعدد با اسکندر مقدونی به انحطاط کشانده شد اما آثار آن تا قرن ها ماندگار ماند.



## کلیات جغرافیایی سرزمین پارس

بی‌گمان جغرافیا یکی از کاربردی‌ترین علوم درجهان امروز و در عین حال منزوی و تا حدی ناشناخته در کشور ما تلقی می‌شود. ذهنیت و شناخت اکثریت مردم نسبت به این علم در حد تعاریف و ماهیت صرفاً توصیفی مربوط به قرون ۱۷ میلادی و پیش از آن است. بسیاری از مردم حتی بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین تعریف جغرافیا را نمی‌دانند، این در حالی است که جغرافیا بازنگی مردم عجین است، عمری به درازای عمر بشر دارد و به تعبیری جغرافیادانش زندگی است. واژه جغرافیا در اذهان بسیاری از مردم کشورمان باشتباه متراووف با نام کوهها، رودها، پایتخت‌ها، تزادها و... و گاهی در سطحی بالاتر با شناخت وضعیت اقلیمی همراه شده است. این امر به‌گونه‌ای است که به محض برخورد با هر تحصیل‌کرده‌ای در این رشته، گویا با یک بانک اطلاعاتی و یا دایرة المعارف عمومی حجیمی روپوشده‌اند که دارای ظرفیت بالایی از نام مکان‌ها و عوارض طبیعی و انسانی است، لذا پاسخگویی به پرسش‌هایی از این دست را وظیفه و تیجه علمی هر فارغ‌التحصیل و یا دانشجوی در حال تحصیل این رشته می‌دانند در صورتی که هیچ پژوهش تاریخی بدون پرداختن به جغرافیای زمان مورد تحقیق نمی‌تواند به بیان تاریخ دوره‌ای خاص بهروشی پردازد.

تأثیر جغرافیا با عوامل مختلف آن در انسان و حتی رفتار فردی انسان امروزه به اثبات رسیده است. مطمئناً جغرافیا بر سیاست و شیوه کشورداری حکومت‌ها درگذشته تأثیر بهسزانی داشته و همچنین در مناسبات تاریخ و جغرافیا رابطه‌ای مکمل با یکدیگر را ایجاد نموده است؛ بنابراین آشکار است که محیط جغرافیایی در کنار سایر عوامل، موجب پیشرفت یا عقب‌ماندگی جوامع مختلف انسانی شده است. مطالعه و تعبیر و تفسیر آثار و یافته‌های باستانی نیازمند شناخت شرایط جغرافیایی و زیست‌محیطی منطقه و آشنایی با پیشینه تاریخی آن منطقه از طریق متون تاریخی و مطالعاتی است که پیش‌تر در منطقه انجام گرفته است. به

بیان دیگر شناخت محیط جغرافیایی و زیست‌بوم منطقه پیش درآمدی است که باستان‌شناس و محقق را با عواملی که توجه جوامع باستانی را جهت اسکان و استقرار در یک منطقه جلب می‌نموده است، آشنا و از طرفی شناخت پیشینه تاریخی منطقه او را با شرایط زمانی و رویدادهای ثبت شده‌ای آشنا می‌سازد که در تجزیه و تحلیل و تفسیر یافته‌های فرهنگی به او کمک شایانی می‌کند؛ بنابراین حوادث تاریخی، فرهنگی و هنری هر تمدنی متأثر از شرایط محیطی و جغرافیایی عمیق آن منطقه است.

شرایط واقعیت‌های زیست‌محیطی در شکل‌گیری فرهنگ از همان آغاز حضور انسان در پهنه‌گیتی نقش بسیار مهم و سازنده‌ای را ایفا کرده و می‌کند. سرزمین ایران نیز بستر بسیاری از حوادث تاریخی بوده که جغرافیای آن در شکل‌گیری این موضوع تأثیرگذار بوده است.

### موقعیت جغرافیایی و وسعت

استان فارس تقریباً در جنوب ایران قرار دارد. این استان به طور تقریبی بین مدارهای ۲۷ و ۳۱ درجه شمالی و نصف‌النهارهای ۵۰ و ۵۵ درجه طول شرقی واقع شده و از شمال به استان اصفهان و بویراحمد، از جنوب به استان ساحلی، از شرق به استان کرمان و از غرب به خلیج فارس و کهگیلویه محدود است.<sup>۱</sup>

مساحت استان فارس ۱۲۲۶۰۸ کیلومتر مربع است که از این جهت پنجمین استان بزرگ کشور ایران و تقریباً ۴/۷ درصد مساحت کشور را تشکیل می‌دهد.<sup>۲</sup> براساس آخرین تقسیمات کشوری، استان فارس با مرکزیت شیراز شامل ۱۶ شهرستان، ۴۸ شهر، ۶۰ بخش و ۱۸۵ دهستان بوده است.

### آب و هوای

در استان فارس، تحت تأثیر ویژگی‌های توپوگرافیک،<sup>۳</sup> سه ناحیه آب و هوایی مشخص پدیدار شده است:

۱. آب و هوای زاگرس شمالی
۲. آب و هوای زاگرس مرکزی
۳. آب و هوای زاگرس جنوبی

۱. بیات، عزیزالله، (۱۳۶۷)، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، تهران، امیرکبیر، ص ۳۲۸.

۲. مرکز آمار ایران، (۱۳۶۸)، سالنامه آماری کشور، تهران، مرکز آمار ایران، ص ۵۲.

۳. شکل سطح و ترکیب چشم اندازهایی با عوارض طبیعی و مصنوعی، و بررسی آن‌ها.

## آب و هوای زاگرس شمالی و مرکزی

در فارس کوههای زاگرس در امتداد خود به سمت جنوب درحالی که به سمت طولهای خاوری جغرافیایی گرایش پیدا می‌کند کم ارتفاعتر می‌شود. با توجه به این کاهش ارتفاع رطوبت و بارش پایین آمده و روودخانه‌ها عموماً حالت فصلی پیدا می‌کنند. درنتیجه فارس دارای جنگل‌ها و مرتع کمتری از لرستان است و کشاورزی در آن بدون آبیاری چندان حاصلخیز نیست. عمدۀ بارش‌ها در ناحیه فارس از نوامبر تا آوریل و به‌ویژه بین فصول دسامبر تا ژانویه رخ می‌دهد. درحالی که در فصول تابستان بارندگی کم بوده و یا اصلاً وجود ندارد. این وضعیت تقریباً برای تمامی نواحی زاگرس مرکزی فارس درست است و نقش بسزایی در زمان‌بندی فعالیت‌های کشاورزی دارد. با توجه به وضعیت بیان شده می‌توان گفت که جنوب غرب زاگرس در حوزه سرزمین‌های نیمه‌خشک قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> با این حال تفاوت‌هایی در میزان بارش در نواحی شمال و شمال غرب فارس و نواحی جنوبی و شرقی آن وجود دارد. در نواحی مذکور بارش سالانه زمستانی حدود ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلی‌متر و در برخی مناطق با ارتفاع بیش از ۳۰۰۰ متر موجب پیدایش چشم‌اندازهای بسیار گوناگون طبیعی شده که امکان استفاده از آن‌ها برای انسان میسر است. باران کافی زیستگاه‌های فراوان و نوسان قابل ملاحظه دمای هوا که از زمستان‌های بسیار سرد به‌ویژه در مناطق بلند تا تابستان‌های گرم متفاوت است منجر به شکل گرفتن مناطق متمایز از نظر پوشش گیاهی شده است. همچنین اگرچه صخره‌ها و دره‌های لخت از نظر پوشش گیاهی حدود گسترده‌ای از منظقه را شامل می‌شود با این وجود هنوز هم وسعت قابل ملاحظه‌ای از زمین‌های جنگلی وجود دارد که در سطوح بالا موجب به‌وجود آمدن چراگاه‌های مناسب شده است. همچنین دره‌های آبرفتی با امکان کشت غلات نیز وجود دارد. با این حال این دره‌ها غالباً کوچک‌تر از آن است که بر روی نقشه خاک‌های دشتی ایران قرار گیرد. این دره‌های آبرفتی برای زراعت و مرتع داری در مناطق مرتفع و دارای اهمیت است.<sup>۲</sup> در نواحی جنوبی‌تر در بین کوه‌ها،

1. poots And Roustaei, K., Petrie, C.A. and Weeks, L.R. (2006), "Introduction". The Mamsani Archaeological Project Stage One: A report on the first two seasons of the ICAR-University of Sydney Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran, Chapter 1, (Eds. Potts, -D. T. and Roustaei, K.), Tehran: Iranian Center for Archaeological Research, p18.

2. Dewan, M. L. and Famouri, J. (1964), The soils of Iran. Rome: United Nations Food and Agricultural Organization, p258.

دشت‌های با ارتفاع بین ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ متر همانند مرودشت، نی‌ریز، لار، جهرم، اصطبهانات، فیروزآباد، ممسنی و پاسارگاد قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

دشت مرغاب که محوطه باستانی پاسارگاد در آن واقع است دارای شرایط زیر است:  
اقلیم نیمه‌خشک، سرد تا خشک سرد، بارندگی متوسط، آب‌وهوای معتدل سرد، دوره رویشی کوتاه و تبخیر متوسط.<sup>۲</sup>

دشت‌ها با توجه به اینکه فضای باز بیشتری را برای سکونت در اختیار قرار می‌دهند مقر اصلی استقرارهای ناحیه پارس در دوره‌های گوناگون و به‌ویژه در دوره تاریخی بوده و تفاوت اصلی زاگرس فارس با زاگرس نواحی شمالی‌تر را که چین‌خوردگی کوه‌ها در آن‌ها به هم نزدیک‌تر و در نتیجه دره‌ها باریک است را شکل می‌دهد.<sup>۳</sup>

### زاگرس جنوبی\*فارس

مهم‌ترین عامل جداکننده زاگرس جنوبی فارس با نواحی دیگر آن آب‌وهوای متفاوت است. بارش باران در این ناحیه بهشدت نسبت به نواحی شمالی‌تر زاگرس کمتر است. این موضوع به نوع ریخت و شکل زمین و وضعیت آن بستگی دارد و بر قرارگاه‌های انسانی آن تأثیرگذار بوده است. علاوه بر این که مقدار باران در این مناطق بیان شده کم می‌شود نوع بارش نیز به صورت پراکنده و نامنظم و اندک است هرچند که در همین مدت‌زمان کم، بارش به حدی شدید است که در بسیاری از موارد آب جاری می‌گردد. همچنین بارش‌ها نه در طول فصول یک سال و نه در طی توالی سال‌ها شکل منظمی ندارند در نتیجه این وضعیت عمدۀ نواحی ساحلی که دارای بندرگاه‌های طبیعی است غیر قابل کشت است و تنها در این میان شهرهای بندرعباس و بوشهر دو استثناء عمدۀ به شمار می‌روند.<sup>۴</sup>

1. Planhol. X. De.(1999), "Geography". Encyclopedia Iranica. 9: ETHE- FISH, New York: Bibliotheca Persica Press. 328/333, p329.

۲. محمدخانی، ک، (۱۳۸۳)، بررسی کاربرد روش ژئوفیزیک اکتشافی در باستان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ص ۲۱.

3. Planhol, (1999), Geography, p329.

4. Poots.D.t. (1999), The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State, Cambridge World Archaeology Series; Cambridge: Cambridge University Press.p:15.

وضعیت وزش بادها نیز در چگونگی آب و هوای فارس بهویژه در نواحی جنوبی آن دارای اهمیت فراوانی است. در طول ساحل خلیج فارس بادهای ساحلی با رطوبت زیادی همراه می‌شوند. رطوبتی که به هنگام ترکیب با دمای زیاد از حد، رنج و مشقت قابل ملاحظه‌ای را در میان دریانوران و همچنین آنانی که از شرایط تقریباً غیرقابل تحمل آن رنج می‌برند موجب می‌شود.<sup>۱</sup> باد دیگری که نواحی جنوبی فارس را زیرپوشش خود قرار می‌دهد با نام عمومی شمال، یک باد شمال غربی است که از دجله و فرات به وزش در می‌آید و نواحی ساحلی و دماغه خلیج فارس را از فوریه و اکتبر تحت تأثیر قرار می‌دهد، گرچه بیشترین شدت و پایایی آن در خلال داغ‌ترین ماههای تابستان است.<sup>۲</sup> این باد در نواحی جنوب فارس با نام عمومی تشیاد<sup>۳</sup> نیز شناخته شده است.<sup>۴</sup>

## خاک

خاک نواحی مختلف فارس را بر اساس بررسی‌های داون و فاموری می‌توان در چهار گروه دسته‌بندی کرد:

۱. خاک‌های آبرفتی غیر نمکی

۲. خاک‌های نمکی

۳. سنگ خاک‌های مناطق نیمه‌خشک

۴. خاک‌های قهوه‌ای استپ

مناطق نشانه‌گذاری نشده دارای خاک معمولی، صحراء هستند. خاک‌های نواحی ساحلی عمدها آبرفتی است اگرچه این خاک در نواحی مذکور یا دارای نمک بسیار بالایی است و یا بارندگی بسیار کمی در آن نواحی وجود دارد. خاک‌های نمکی در ارتفاعات بلند نیز وجود دارد. مقداری از روند نمکی شدن خاک‌های برخی مناطق همانند نواحی مرودشت ممکن است در نتیجه آبیاری گسترده باشد که در طول تاریخ در این نواحی صورت گرفته

۱. گنجی، م، (۱۳۸۶)، اقلیم، تاریخ ایران کمربیج، جلد ۱، برگردان تیمور قادری، تهران، امیرکبیر، ص ۲۸۵.

۲. همان، ص ۲۸۵.

۳. بادآتش.

۴. موحد، جمیل، (۱۳۸۴)، بستک و خلیج فارس، تهران، بال کبوتران، ص ۱۰.

است. تمامی خاک‌های آبرفتہ ناحیه فارس در شعاع ۱۵۰ کیلومتری شهر استخر قرار گرفته است. روشن است که این خاک‌های آبرفتی مناسب برای کشاورزی اساس زیست انسانی در مناطق و شهرهایی که در امتداد خط مرزی مناطق آب‌وهوایی نواحی گرمسیر و معتدل قرار گرفته‌اند را تشکیل می‌دهد. خاک‌های آبرفتی مناطق سردسیر بیشتر در دشت‌های مشهور استخر و یا در نواحی باریک زمین‌های کشاورزی در بین رشته‌کوه‌ها وجود دارد و گستردگه شده است. عامل محدودکننده برای کشاورزی در خاک‌های آبرفتی مقدار بارندگی است. آب‌های جاری از کوه‌ها و استفاده از فرات بیشترین زمین‌های کشاورزی را حداقل به صورت دوره‌ای زیر کشاورزی آورده است. وجود خاک‌سنگ‌ها به نظر می‌رسد که محدود به ارتفاعات بالای ۱۵۰۰ متر باشد و خاک‌های قهوه‌ای رنگ نواحی استپی نیز به نظر می‌رسد دومین نمونه خاک عمومی مناطق کوهستانی باشد.<sup>۱</sup>

## دریاچه‌ها

در استان فارس دریاچه‌های متعددی وجود دارد، به طوری که بیشترین تعداد دریاچه‌های دائمی کشور در استان فارس واقع شده‌اند. دریاچه‌های استان فارس را می‌توان به دریاچه‌های آب شور و دریاچه‌های آب شیرین تقسیم‌بندی نمود. مهمترین این دریاچه‌ها عبارتند از: بختگان (نی‌ریز)

نام بختگان به صورت‌های بختگان<sup>۲</sup>، پیچگان<sup>۳</sup>، بیچگان و بچگان (به دلیل مجاورت آن با کوه پیچگان)<sup>۴</sup> نیز ضبط شده است. دریاچه‌ای است بسیار کم عمق و آب آن شور است. طول آن ۱۰۰ کیلومتر و عرض آن نیز ۳۰ کیلومتر و در استان فارس در ۵۰ کیلومتری شمال شیراز قرار دارد و از شمال غربی به جنوب شرقی بین دورشته کوه موازی ممتد

۱. Whitcomb, D. (1979), The city of Istakhr and the Marvedasht plain. (Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie München 7-10 September 1976), in Archaologiche Mitteilungen aus Iran. Berlin: 363-370, p97.

۲. اصطخری، ابواسحاق، (۱۲۸۷)، مسالک الممالک، جلد ۱، به کوشش دخویه، لیون، افسٰت بیروت، دارصاد، ص ۱۰۰.

۳. ابن‌بلخی، (۱۳۳۹)، فارس نامه، جلد ۱، به کوشش لسترنج و نیکلسون، کمبریج، ص ۱۵۳.

۴. فسایی، حسین، (۱۳۶۷)، فارس نامه ناصری، جلد ۲، به کوشش منصور رستگار فسایی، تهران، (بی‌تا)، ص ۱۲۴۲.

است و جزایر متعددی در آن دیده می‌شود. به واسطه دوزبانه باریک با دریاچه کوچکتری به نام نرگس (طشت) مرتبط است و بین این دو دریاچه جزیره علی یوسف قرار دارد. بزرگترین رودی که به آن وارد می‌شود رود کراست.<sup>۱</sup> این دریاچه در سال ۱۳۵۲ به عنوان چهارمین تالاب ایران در فهرست تالاب‌های جهانی به ثبت رسیده است که در سال‌های گذشته تحت تأثیر عوامل محیطی متعدد به ویژه خشکسالی، آسیب بسیاری دیده و در حال حاضر در معرض نابودی قرار گرفته است که در صورت ادامه روند خشکسالی و عدم چاره‌اندیشی به موقع مسنولین مربوطه، به طور کامل خشک خواهد شد. هم اکنون، بیش از ۸۸ درصد وسعت پنهان آبی دریاچه بختگان کاملاً خشک شده و تنها در حدود ۱۲ درصد هكتار آن آب وجود دارد. اگر دریاچه بختگان خشک شود تأثیر منفی همه جانبه‌ای بر روی منطقه و حتی نقاط دیگر خواهد گذاشت و این موضوع همه رانگران کرده است زیرا دریاچه بختگان یکی از مهم‌ترین بوم‌سازگان‌های آبی است که به دلیل اکوتون<sup>۲</sup> بودن نواحی حاشیه‌ای، از تنوع زیستگاهی فراوانی برخوردار است. دریاچه بختگان به علت دارابودن ذخایر مطلوبی از آبزیان، محل مناسبی برای زمستان‌گذرانی، تولید مثل و تخم‌گذاری پرندگان مهاجر محسوب می‌شود، به طوری که در سال‌های پربران بیش از ۱۵۰ هزار قطعه پرنده در این دریاچه سرشماری شده است.<sup>۳</sup>

در دوره باستان کرانه جنوب غربی دریاچه بختگان در ولایت دارابگرد واقع بود و شهر نی ریز در ساحل آن قرار داشت. گویند سبب نامیده شدن دریاچه نی ریز و بختگان آن بوده که اردشیر بابکان در جنگ از دست دشمن سرخست در آنجا نجات یافت و آن را از آن جهت بختگان گفته‌اند که این کلمه در زبان فارسی تبدیل به بختگان به فتح باء شده است زیرا در زبان پهلوی بختن به معنی نجات یافتن است.<sup>۴</sup>

#### پریشان (فامور)

این دریاچه به طول ۸ کیلومتر و به عرض ۳ کیلومتر در فارس بین دهستان‌های فامور و کازرون به واسطه آب‌های چشمه‌های فامور و پل آبگینه تشکیل شده است. آب آن شیرین

۱. مشکور، محمدجواد، (۱۳۹۵)، جغرافیای تاریخی ایران باستان، تهران، دنیای کتاب، ص ۴۸.

۲. اکوتون‌ها مناطق اتصال بین دو یا چند جامعه و یا زیر واحد از جوامع هستند.

۳. بنان، نگار و دیگران، (۱۳۸۷)، وضعیت فعلی دریاچه بختگان و آینده آن، دومین همایش و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط‌زیست، تهران، ص ۲.

۴. لسترنج، گای، (۱۳۳۷)، جغرافیای سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۹۹.

است ولی برای آشامیدن چندان مناسب نیست. این دریاچه را در قرن چهارم مژد  
می‌نامیدند.<sup>۱</sup>

### مهارلو (مهلهو)

دریاچه مهارلو واقع در جنوب شرقی شیراز به صورت دریاچه صحرائی است و به دریای آزاد  
راهی ندارد. این دریاچه توسط سه رودخانه نوبه‌ای خشک، حمزه و سروستان و همچنین  
روان آب‌های کوه‌های مجاور تغذیه می‌شود. روduxانه خشک از کوه‌های شمال غربی شیراز  
شروع شده و از مرکز شیراز می‌گذرد. روduxانه حمزه بیشتر از کوه سبزپوشان در جنوب غربی  
 Shiraz تغذیه شده و در قسمت غرب به دریاچه می‌پیوندد. روduxانه سروستان از کوه‌های سیاه  
واحمدی و سایر ارتفاعات شرقی دریاچه به وجود می‌آید.<sup>۲</sup>

### هرم (لارستان)

دریاچه هرم معروف به دریاچه کفه هرم، بزرگترین دریاچه فصلی استان فارس با ۱۳۰  
کیلومتر مربع مساحت است. ارتفاع سطح آب آن نسبت به سطح آب خلیج فارس ۷۵۰ متر  
محاسبه شده است. دریاچه هرم در فصل زمستان در سال‌های پربارندگی به حداقل میزان  
آبگیری می‌رسد. طول آن به ۲۸ کیلومتر و عرض آن به ۱۱ کیلومتر می‌رسد و عمق متوسط آن  
۲ متر است.

روستاهای سرگاه، دره، هرم، کاریان، احمد محمودی، بلغان، لاغران، چغان، جلال‌آباد  
در پیرامون این دریاچه قرار گرفته‌اند. آب این دریاچه از چشمه‌های جهرم و بنارویه تأمین  
می‌شود.<sup>۳</sup>

### طشك

این دریاچه در کنار روستای زیبا و قدیمی طشك از توابع شهرستان بختگان قرار  
دارد. این دریاچه یک فرونیست میان‌کوهی است که ارتفاع آن از سطح دریای آزاد حدود  
۱۵۵۸ متر است. دریاچه طشك با وسعت تقریبی ۸۰۰ کیلومتر مربع در شمال  
باختری دریاچه و ۱۶۰ کیلومتری خاور شیراز قرار دارد. تأمین‌کننده اصلی آب  
این دریاچه، رودهای گُر و سیوند می‌باشند که از کوه‌های برآفتاب و موسی‌خانی، در  
۵۰

۱. لسترنج، جغرافیای سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۲۸۸.

۲. فرهودی، قدرت الله و حمید بهروزی فر، (۱۳۶۳) دریاچه مهارلو، سومین گردهمایی علوم زیستی، تهران،  
سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات دریابی کشور، ص ۳۶.

۳. بدیعی، ربيع، (۱۳۶۷)، جغرافیای مفصل ایران، جلد ۱، تهران، (بی‌نا)، ص ۱۶۷.

کیلومتری جنوب باختری ده بید سرچشمه می‌گیرد و در باختر مرودشت، در محلی به نام پل خان پس از یکی شدن و عبور از دشت مرودشت و منطقه حاصلخیز دشت کربال با مرکزیت سلطانشهر، گذشته و به دریاچه‌ها می‌ریزد.<sup>۱</sup>

### برم شور

این دریاچه در حدود ۳۵ کیلومتری بابا منیر و ۲۰ کیلومتری بخش جنوبی امام زاده شاه تسلیم در حوزه ماهور میلاتی، مسمی شمال شرقی قرار گرفته و از طریق جاده ارتباطی نورآباد فارس به بابا منیر و پس از عبور از روستا قابل دسترسی است. این دریاچه از آب سرازیر شده از کوههای گچی اطراف شکل گرفته و به همین خاطر است که طعمی تلخ و شور داشته و به نام برم شور یا دریاچه شور معروف شده است. برم شور، یک کیلومتر طول و ۵۰۰ متر عرض دارد و با عمقی که در بعضی نقاط آن به ۲۰ متر هم می‌رسد، در زمرة دریاچه‌های عمیق طبقه‌بندی می‌شود.<sup>۲</sup>

### رودخانه‌ها

رودخانه‌ها و آب‌های جاری، از دیرباز موردنیاز و توجه بشر بوده‌اند و برای بهره‌بردن از منابع آبی مناسب، جوامع انسانی و مراکز صنعتی و کشاورزی وغیره معمولاً در نزدیکی رودخانه‌ها برپاشده‌اند. در اغلب دره‌های استان فارس رودخانه‌هایی جریان دارند که اکثر آن‌ها در زمستان و ماههای اول بهار دارای آب هستند. مهم‌ترین رودهای منطقه عبارت‌اند از:

گُر

رود کر رودی است دائمی که از کوهستان‌های شمال غرب استان فارس سرچشمه گرفته و تا دریاچه بختگان ادامه می‌یابد. طول آن از سرچشمه تا دریاچه بختگان ۲۸۰ کیلومتر است. آب این رودخانه کیفیت خوبی ندارد و در تمام مسیر خود همچون زهکشی طبیعی، آب‌های زیرزمینی دشت‌های مجاور را جمع می‌کند و در نهایت به دریاچه بختگان می‌رساند.<sup>۳</sup> کلیه سرشاخه‌های که به استثنای شاخه شور خارستان و شور شیرین دارای کیفیت مناسب بوده و

۱. خرم، مجتبی، (۱۳۴۹)، کتاب سیوند، شیراز، سیوند، ص. ۵۱.

۲. بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، جلد ۱، ص. ۱۸۰.

۳. زیدی، م. (۱۳۸۷)، الگوهای استقراری و نوسان‌های جمعیتی فرهنگ‌های پیش ازتاریخ تا دوران اسلامی در دره‌های حوزه رود کر، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش. ۴۲-۴۳، صص ۳۱-۵۱.

برای کشاورزی نیز مناسب استند.<sup>۱</sup> این بلخی در مورد نهر کر می‌نویسد: «رودی عاصی است کی هیچ جایی را آب ندهد الا جای‌هایی که بند کرده‌اند تا آب در نیفتاده است و بر نواحی افتاده». <sup>۲</sup> سامن‌تر حوزه رود کر را به دو بخش آبیاری تقسیم کرده است: بخش سون<sup>۳</sup> که به‌وسیله رود کر آبیاری می‌شده و دیگری حوزه جری است که آب آن از چشمه‌های حواشی دشت تهیه می‌شد.<sup>۴</sup>

### سیوند (پلوار)

رودخانه سیوند مهم‌ترین منبع آب سطحی منطقه پاسارگاد را تشکیل می‌دهد. متوسط ۱۱ ساله (۵۴ تا ۶۵) دبی رودی آب‌های سطحی به منطقه مادر سلیمان، قادرآباد، سرپیران و سعادت‌آباد از طریق یک شاخه اصلی و شاخه فرعی دیدگان حدود ۵۴ میلیون مترمکعب محاسبه شده است.<sup>۵</sup>

سرچشمۀ اولیه این رود، قاضیان قصر یعقوب است که دهکده‌ای است حدود ۳۰ کیلومتری شمال غربی دشت پاسارگاد. پس از طی مقداری راه، آب این چشمۀ با آب رودخانه لسور و یک شاخه از آب قشلاق به هم می‌پیوندد و تشکیل رودخانه پلوار را می‌دهد. این رود از شمال به جنوب جاری شده و پس از مشروب ساختن دشت مرغاب در بستر مارپیچ خود به‌سوی تنگه بلاغی و دشتی به همین نام جاری می‌شود و سپس به دشت سرسبز و گستردۀ دیگری به نام سعادت شهر و سیوند می‌رود. این رودخانه پس از سیلان ساختن زمین‌ها و باغ‌های سیوند و گذشتن از بلوکه خفرک بالا و پایین، شهر باستانی استخر و دشت مرودشت در کنار پل خان به رود کر می‌پیوندد.<sup>۶</sup> این بلخی درباره این رود می‌نویسد: «منبع این نهر دهی است که آن را پرواب بگویند و این رودی مبارک است و بیشترین را از نواحی مرودشت آب دهد تا در گر افتد.»<sup>۷</sup>

۱. سازمان آب منطقه فارس، (۱۳۶۴)، امور بررسی منابع آب، تجزیه و تحلیل آمار هیدرولوژی حوزه کر، مرکز آنالیز و تلفیق مطالعات، ص ۴۵.

۲. این بلخی، فارس‌نامه، جلد ۱، ص ۲۶۳.

۳. به کانال‌هایی که آب رودخانه کارون را به زمین‌های کشاورزی منطقه رامجرد هدایت می‌کرده سون گفته می‌شد.

۴. سامن، و، (۱۳۷۷)، بررسی‌های فرآگیر منطقه‌ای در نزدیک: نمونه‌ای از ایران، ترجمه کامیار عبدی، باستان‌شناسی و تاریخ، ص ۱۶۲.

۵. سازمان آب منطقه فارس، امور بررسی منابع آب، ص ۱۲.

۶. سامی، علی، (۱۳۷۵)، پاسارگاد پایتخت و آرامگاه کورش هخامنشی، شیراز، بنیاد فارس شناسی، ص ۲۹۲.

۷. این بلخی، فارس‌نامه، ج ۱، ص ۲۶۱.

## فهلهیان

رودخانه فهلهیان واقع در شهرستان نورآباد ممسنی که بالهمیت‌ترین رودخانه این شهرستان است، ابتدا از کوه شش پیر در نزدیکی اردکان سرچشمہ گرفته و شش پیر نیز خوانده می‌شود. سپس به جانب باخت امتدادیافته با نام‌های شیرین و فهلهیان از ممسنی گذشته و سرانجام به نام زهره به رودخانه کارون می‌ریزد. رودخانه فهلهیان در مسیر حرکتی خود از سازندهای مختلف زمین‌شناسی عبور کرده و در این مسیر شاخه‌های فرعی فراوانی به آن وارد می‌شوند که همگی حالت سیلابی و فصلی دارند.<sup>۱</sup>

## تنگ شیو

این رودخانه از کوههای کهگیلویه و بویراحمد سرچشمہ می‌گیرد و پس از طی مسافتی، در خاک کهگیلویه وارد منطقه ممسنی می‌شود و در دهستان رستم به رودخانه فهلهیان می‌پیوندد. سرچشمہ رود، تنگه گجستان است که در مرز استان کهگیلویه و بویراحمد و استان فارس قرار دارد. این تنگه در دامنه سردسیر کوه زرآورد قرار دارد که چشم‌های پر آب در آن می‌جوشد. رود تنگ شیو در مسیر خود از روستاهای چهارتاق، کتاره، نوگک، حسین‌آباد، کوپن و... می‌گذرد و در نهایت به رود فهلهیان و زهره می‌پیوندد. نقش مادر دختر از آثار تاریخی قبل از اسلام است که در کتار مسیر این رود و در کوه آنا کنده کاری شده است. همچنین رود پس از آیاری زمین‌های کشاورزی منطقه رستم از زیر پل تاریخی تنگه بریم رد می‌شود.

## دالکی

این رود از بلندی‌های دشت ارزن فارس سرچشمہ و به رود شاپور می‌پیوندد و پس از مشروب ساختن شبانکاره به خلیج فارس می‌ریزد. طول این رود بزرگ چیزی نزدیک به ۲۲۵ کیلومتر است. رود دالکی را رود اخشنین هم می‌نامند. به دلیل عبور آب این رودخانه از مسیر نمکی، آب دالکی سور است. نخلستان‌های شهرستان دشتستان، آب موردنیاز خود را از رود دانمی دالکی دریافت می‌کنند. پلی که بر روی دالکی بسته شده، هنر ابوالحسن خان مشیرالملک شیرازی است که با استفاده از سنگ و ساروج در سال ۱۲۸۶ هجری قمری در چند کیلومتری شمال شرق دالکی احداث کرد. این پل که پل مشیر نام دارد اکنون جهت عبور و مرور

۱. شجاعی، احمد رضا و دیگران، (۱۳۹۱)، آنالیز رسوبات رودخانه فهلهیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم پایه، شاهرود، دانشگاه آزاد، ص. ۵.

۲. مشکور، جغرافیای تاریخی ایران باستان، ص. ۳۱.

ماشین‌ها استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

مهران و نابند

سرچشمۀ این دورود از کوههای لارستان در جنوب فارس است. رود مهران در نزدیکی بندر خمیر به خلیج فارس و رود نابند در خلیج کوچک نابند به دریا می‌ریزد.<sup>۲</sup>  
مند

این رود از بلندی‌های شمال غربی شیراز سرچشمۀ گرفته و پس از گذشتן از دره‌ای کوهستانی سرانجام به خلیج فارس می‌ریزد.<sup>۳</sup>

شاپور

این رود از کازرون و ممسنی در استان فارس از چشمۀ زنجان سرچشمۀ گرفته و در تنگ چوگان به چشمۀ ساسان متصل شده سپس با اضافه شدن رود شکستیان به سمت استان بوشهر جریان می‌یابد. رودخانه شاپور در استان بوشهر به رود دالکی می‌پیوندد و با نام رود حله به خلیج فارس می‌ریزد.<sup>۴</sup>

### کوه‌ها و ناهمواری‌ها

جهت عمومی کوههای این استان شمال خاوری - جنوب باختری است و هر چه از طرف شمال به جنوب پیش می‌رویم از ارتفاع کوهستان به طور عمومی کاسته می‌شود. عمدت‌ترین ارتفاعات این استان در مناطق خاوری قرار گرفته است. برای درک بهتر ناهمواری‌های این استان، کوههای این منطقه به ۷ رشته تقسیم‌بندی می‌گردد:

۱. کوههایی که از آباده شروع شده و از جنوب بوانات گذشته و به کوه سفید متصل می‌گردد و تا کوه گور سفید با ارتفاع ۲۸۰۶ متر می‌رسد.
۲. رشته‌کوههایی که از چهاردانگه شروع شده از شمال ارنستان و نی ریز گذشته و تا دره رود شور امتداد دارد. قلل مهم این سلسله کوه، دال نشین ۳۵۰۰ متر، کوه سرسفید ۳۱۶۴ متر، کوه داراب ۳۵۳۰ متر و کوه فرک ۲۸۲۵ متر است.

۱. بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، جلد ۱، ص ۱۸۹.

۲. مشکور، جغرافیای تاریخی ایران باستان، ص ۳۱.

۳. همان، ص ۳۱.

۴. بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، جلد ۱، ص ۱۹۱.

۳. رشته‌کوه‌های شمالی شیراز که از شمال دریاچه مهارلو و شهرستان فسا گذشته به کوهستان داراب متنه می‌گردد. قلل مهم آن کوه بمو به ارتفاع ۲۶۶۱ متر، کوه احمدی به ارتفاع ۲۸۷۱ متر و کوه خرمان ۲۳۰۰ متر است.
۴. رشته‌کوه‌هایی که از شمال کازرون، جویم، لار و فیروزآباد و جنوب جهرم گذشته به جبل هرمز در شمال بندر خمیر متنه می‌شود. قلل مرتفع آن عبارت است از: کوه عبدالی به ارتفاع ۳۱۱۱ متر در باخترا کتل پیززن، کوه سفید به ارتفاع ۳۰۱۸ متر و کوه هرمز با ارتفاع ۲۸۳۶ متر.
۵. رشته‌کوه‌هایی که از بلوک ماهور و خشت شروع شده از جنوب فراش بند گذشته، در خاور رود مُند به کوهستان محال اربعه<sup>۱</sup> از جنوب قیر و کارزین و خنج گذشته به کوهستان جنوبی لار متنه می‌گردد.
۶. رشته‌کوه‌هایی که از خاور برآذجان شروع شده از شمال خورموج، بم و مرودشت گذشته به بستک متنه می‌شود.
۷. رشته‌کوه‌های تنگستان که از خاور بوشهر شروع شده و به موازات خلیج فارس امتداد پیدا کرده و به کوهستان شمال بندر لنگه متنه می‌شود.<sup>۲</sup>

## زمین‌شناسی

از دیدگاه زمین‌شناسی کوه‌های زاگرس در ناحیه جنوب غربی ایران از چندین منطقه تکتونیک<sup>۳</sup> تشکیل شده است که عمده‌ترین آن‌ها شامل منطقه زاگرس فشرده و کمربند چین‌خوردۀ زاگرس است.<sup>۴</sup> این کوه‌ها عمدتاً بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر ارتفاع داشته هرچند در برخی نقاط ارتفاعی بین ۳۵۰۰ تا ۴۵۰۰ متر نیز بین آن‌ها یافت می‌شود. ناحیه فارس در محدوده هر دو صفحات زاگرس فشرده و چین‌خوردۀ قرار گرفته است. نواحی غربی و جنوب غربی فارس در محدوده کمربند چین‌خوردۀ زاگرس قرار دارد. بیشتر قسمت‌های این بخش از زاگرس از آبریزهای سنگ آهکی تشکیل شده که عموماً

- 
۱. چهار ناحیه از بلوکات ولايت قشقایی فارس است.
  2. Fisher, W. B,(1968), "Physical geography". The Cambridge History of Iran, (Ed.Fisher,W.B.),Volume 1,Cambridge: Cambridge University Press.p12.
  3. دگرگونی‌های پوسته زمین: زمین ساز، زمین ساختی.
  4. Ibid,p17.

از شمال غربی تا جنوب شرقی امتداد پیدا کرده است. زمین‌شناسی منطقه عمدتاً شامل رسوبات کم عمقی متعلق به ژوراسیک فوکانی و کرتاسه<sup>۱</sup> است و به طور ساختاری به صورت منطقه‌ای از چین خوردگی‌های معمولی تشکیل شده است. به طور مثال رشته‌کوه‌های متوازی ناحیه ممسنی به گروهی از اشکال گوناگون تعلق دارد که به طور عمدۀ از رسوبات کربناتی تشکیل شده است و همه این‌ها بر روی یک بستر سنگ ماسه، سنگ‌های رسی و دولومیت<sup>۲</sup> قرار دارد. ممسنی از نظر صفحه‌ای بخشی فعلی بوده و بر روی گسل کازرون قرار دارد. فعالیت این گسل به همراه ماهیت سنگ طبیعی منطقه موجب گسترش کارست<sup>۳</sup>‌ها در منطقه شده و این خود در نهایت موجب فروزنی چشممه‌های طبیعی گردیده است.<sup>۴</sup> علاوه بر صخره‌های سخت فعالیت صفحه‌ها همراه با فرسایش بلندمدت صخره‌های نرم و یا سست در طول زنجیره زاگرس موجب ایجاد حوزه‌های گلی میان کوهی دارای مرزهای خطی در نقاط مختلف شده است. در طول و پس از دوره چین خوردگی پلیوسن<sup>۵</sup> زاگرس این حوضچه‌ها با رسوبات کوه‌های اطراف و سیلاب‌های ناگهانی کوهستانی پر شده است. این روند‌ها خود موجب ایجاد گسل‌هایی در نقاط گوناگون شده و آب نیز به گونه‌ای موجب فرسایش این گسل‌ها شده و در نقاط گوناگون دره‌های عمیق ایجاد کرده است. این دره‌ها عموماً نسبت به کوه‌ها زاویه قائم‌هه داشته و در بسیاری از مناطق و از جمله در ناحیه غربی فارس موجب ایجاد راه‌هایی شده است که ارتباط بین دره‌های گوناگون را برقرار می‌کند. در برخی نقاط نیز این دره‌ها به صورت کانال‌هایی عمل می‌کند که آب رودخانه‌های میان‌دره‌های بزرگ‌تر را انتقال می‌دهد.<sup>۶</sup>

۱. بعد از تریاس و ژوراسیک سومین دوره دوران میانه‌زیستی است که در ۱۴۵/۵ تا ۶۵ میلیون سال پیش بود و در واقع هشتاد میلیون سال به طول انجامید و از این لحاظ طولانی ترین دوره در میانه‌زیستی است.

۲. سنگ معدنی دولومیت دارای ترکیبات اکسید منیزیوم و آهک است و به عنلت برخورداری از میزان خالصی بالا این سنگ بسیار بالرزش است. این سنگ را می‌توان جز دسته سنگ‌های رسوبی و دگرگونی محسوب کرد.

۳. کارست پدیده‌ای در پوسته زمین است که آثار آن به صورت اشکال مختلف از قبیل حفره‌ها و غارها، در سطح و در زیرسطح وجود دارد.

4. potts and roustaei, 2006, "Introduction", p17.

۵. پلیوسن دوره‌ای در مقیاس زمانی زمین‌شناسی است که از ۲/۵۶ میلیون تا ۰/۳۳۲ میلیون سال پیش ادامه داشته است. این دور دومین و جوان‌ترین دور نوژن در عصر نوژیستی است.

6. Ibid, p17.

با حرکت به سمت جنوب فارس جهت کوهها به تدریج از حالت شمال غرب جنوب شرق، به غرب، جنوب غربی - شرق و جنوب شرقی درآمده و در نهایت در منطقه لارستان و بندرعباس جهتی کاملاً شرقی - غربی پیدا می‌کند. ناحیه زاگرس دارای تقاضاهای عمدۀ‌ای با نواحی زاگرس مرکزی و شمالی است. منطقه بین زاگرس مرکزی و زاگرس جنوب شرقی در شمال بندرعباس را می‌توان به عنوان بخش میانی و انتقالی زاگرس مطرح کرد. در جریان حرکت به سمت جنوب و تقریباً از ناحیه شرقی بوشهر جریان کوهها به طور گسترده شرقی - غربی می‌شوند. در بیشتر سواحل، این ناحیه به تنگستان معروف است و بین دریا و کوهستان هیچ‌گونه فاصله‌ای نیست. کوههای زاگرس به یکباره از دریا بیرون می‌آید و دشت‌های ساحلی وجود ندارد. در کرانه‌های ساحلی این نواحی رشته‌کوههای موازی هم کشیده شده و هیچ‌گونه فاصله خالی بین کوه و دریا جهت ایجاد بندراها یافت نمی‌شود. همچنین اندازه کوچک رودخانه‌ها و برش‌های عمیقی که در دره‌ها ایجاد کرده‌اند امکان شکل‌گیری کشاورزی مبتنی بر آبیاری و چراگاه‌ها را از بین برده است.<sup>۱</sup>

## پوشش گیاهی و جانوری

پوشش گیاهی استان فارس را درختان جنگلی و گیاهان دارویی و صنعتی تشکیل می‌دهد. مهم‌ترین گونه‌های درختی این استان عبارتند از: بادام کوهی، بنه و بلوط و برخی از گیاهان دارویی و صنعتی که شیرین بیان، گل گاویزان، کتیرا، آنفوزه و گون برخی از این گونه‌ها هستند. مناطق حفاظت شده استان فارس محل رویش بسیاری از گونه‌های گیاهی منطقه می‌باشند. پارک ملی بم واقع در شمال شهر شیراز از نظر پوشش گیاهی بسیار غنی و قابل اهمیت است و تاکنون بالغ بر ۲۸۰ گونه گیاهی در آن شناسایی و نمونه برداری شده است.<sup>۲</sup> استان فارس ۲/۲ میلیون هکتار جنگل دارد که ۱/۲ میلیون هکتار آن مراعع فقیر و یک میلیون هکتار آن مراعع غنی و پر تراکم است. این میزان جنگل، در حدود ۹/۱۷ سطح استان را فرا گرفته است. کارشناسان معتقدند وقوع خشکسالی در عرصه‌های منابع طبیعی و جنگل‌ها باعث تشدید در تأثیرگذاری آفات درختان شده و این عرصه‌ها را با خطر مواجه می‌کند که در این خصوص جنگل‌های بلוט استان فارس به خصوص در کازرون طی مدت گذشته با این مشکل در حال دست و پنجه نرم کردن است. از گونه‌های گیاهی غالب

۱. fisher, 1968, "Physical geography", p30.

۲. جاذبه‌های طبیعی استان فارس، (۱۳۹۰)، بخش پوشش گیاهی، تهران، میراث‌فرهنگی، ص. ۹.

جنگل‌های استان فارس می‌توان به بلوط، بنه، زالزالک، گلابی وحشی، ارس (سروکوهی)،<sup>۱</sup> بادام کوهی و انجیر وحشی اشاره کرد.<sup>۲</sup>

گونه‌های جانوری استان فارس را نیز در دو بخش می‌توان دسته‌بندی کرد: اول محیط خشکی که از مهم‌ترین جانوران این بخش می‌توان به خرس قهوه‌ای، پلنگ، گراز، گوزن، قوچ، گربه‌وحشی، سنجاب، گورایرانی، آهو، کفتار و گرگ و دوم محیط آبی که از مهم‌ترین جانوران این بخش نیز می‌توان به انواع اردک، پلیکان، درنا، غاز، بک، فلامینگو، دارکوب، تیهو و هوبره اشاره نمود.<sup>۳</sup>

### جغرافیای تاریخی پارس - ایران در عصر هخامنشی

به نظر می‌رسد چمیشه جغرافیا در قدرت‌یابی حکومت‌ها نقشی اساسی داشته است همان‌گونه که این مساله در مورد پارس‌ها هم صدق می‌کند.<sup>۴</sup> آنان پیش از مهاجرت به ایران همراه با دیگر هم‌کیشان خود در آسیای مرکزی سکنا گزیده<sup>۵</sup> و در یک مکان امن زندگی می‌کردند و از تیررس آشوریان دور بودند. داده‌های باستان‌شناسی، شواهد تاریخی و جغرافیایی و پیوندهای زبان‌شناسی نشان می‌دهند که شاخه غربی آریایی‌ها یعنی پارس‌ها که از لحظه قومی و فرهنگی قرابت بسیاری با مادها داشتند در نیمه دوم هزاره دوم ق.م به صورت پیوسته و در حرکتی آهسته و تدریجی از شمال شرق فلات ایران به سمت غربی این فلات سرازیر شدند.<sup>۶</sup> با احتمال زیاد شرایط جغرافیایی و سیاسی زاگرس، حضور اقوام مختلف در این منطقه به خصوص حضور قدرتمند آشوریان در غرب و ایلامی‌ها در جنوب غربی به آنان اجازه پیشروی بیشتری نمی‌داد و آن‌ها مجبور شدند پشت کوه‌های زاگرس مستقر شوند.<sup>۷</sup> آنان، کم کم قسمت‌هایی از ایلام را نیز تصرف کردند. با شکست ایلامیان از آشور،

۱. جاذبه‌های طبیعی استان فارس، بخش پوشش گیاهی، ص. ۱۱.

۲. بلوچ، محمد، (۲۵۳۶)، خزندگان ایران، تهران، دانشگاه تهران، ص. ۷۵.

3. Parpolo, S. (1970). Neo-Assyrian Toponyms. Kevalaer: Butzon and Bercker, p230.

4. Gimbutas,m.(1985),primary and secondary homelands of the indo-europeans:- commets on the gamkrelidze- ivanov articles,jies12(1-2),pp:175-185,p198.

5. Ardola, A. (1988),The Coming of the Aryans to Iran and India: The cultural and ethnic identity on the DASAS, 64, 195-302, p195.

6. Young Cuyler, Jr. (1967). Iranian migration into the Zagros. Iran V, 1967, 11-34,p19.

قسمت‌های بیشتری نصیب پارسیان شده و آنان پا به عرصه ظهور گذاشته و قدرت را به دست گرفتند. شواهد باستان‌شناسی نشان می‌دهند که آن‌ها سال‌ها پیش از ظهور، نامشان در گزارش‌های شاهان آشوری از جمله شلمنسر سوم در قرن نهم ق.م. ذکر شده است<sup>۱</sup> و برای اولین بار در سده‌های آغازین هزاره اول و در سال ۸۴۳ ق.م. نام پارسوا وارد نوشه‌های آشوریان می‌شود. نام پارس‌ها بعدازاین در کتیبه‌های شاهان آشوری از جمله شمشی اددپنجم (۸۲۳-۸۱۱ ق.م.)، ادد نیراری سوم (۸۱۰-۷۸۳ ق.م.)، تیگلات‌پلیسر سوم (۷۴۴-۷۲۷ ق.م.) و سارگن دوم (۷۲۱-۷۰۵ ق.م.) ذکر شده است.<sup>۲</sup> شلمنسر سوم در دو کتیبه اشاره می‌کند که در سال ۸۳۶ ق.م. از ۲۷ شاهک نشین پارسواش خراج گرفته است.<sup>۳</sup>

در رابطه با مکان‌یابی پارسواش نظرات متفاوتی ذکر شده است:

شاخت پارسوماش را با زاگرس مرکزی مرتبط دانسته است.<sup>۴</sup> آمیه اعتقاد دارد پارسوماش شامل مسجدسلیمان امروزی بوده است.<sup>۵</sup> در مسجدسلیمان در حدود ۱۶۰ کیلومتری شمال شرقی شوش در کوه‌های بختیاری یک صفه پلکانی بزرگ به ارتفاع حدود ۴۰۰ متر وجود دارد که ۱۲ پله سنگی امکان رسیدن به آن را میسر می‌سازد. این صفه بزرگ یکی از قلاع فرمانروایان هخامنشی (چیش پیش) یا پایتخت کورش اول در قرن هفتم قبل از میلاد معرفی شده است. این صفه بزرگ همچنین شیوه قلاعی است که در نقوش برجسته آشوریان از شهرهای شمال غربی رسم شده است. گیرشمن آن را با صفه تل تخت در پاسارگاد مقایسه کرد و نتیجه گرفت که پارسیان ساختن صفه تخت‌سلیمان (تل تخت) را در پاسارگاد از تجربیات زمان سکونتشان در شمال غربی ایران فراگرفته‌اند.<sup>۶</sup> استواناخ این صفه را برخلاف نظر گیرشمن به دوره کمبوجیه اول در ۶۰۰ ق.م. نسبت داده و آن را ساخته عصر کورش دوم

۱. Sumner W. M. (1994). "Archeological measures of cultural continuity and the arrival of the Persian in Fars". *Achaemenid History, continuity and change 1990*, vol. VIII, Edited by Heleen Sancisi-Weerdenburg & Amelie Kuhrt & Margaret Cool Root, p:105

۲. ایمان‌پور، محمد تقی، (۱۳۸۲)، مکان جغرافیایی پارسوا، پارسوماش، پارسواش، مطالعات تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۱ و ۲، صص ۴۹-۲۲-۲۰.

۳. دیاکونوف، م.م. (۱۳۷۷). *تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز*، تهران، علمی و فرهنگی، ص ۱۵۵.

۴. شاخت، رایرت، (۱۳۸۱)، *فرهنگ‌های تاریخی اولیه در باستان‌شناسی غرب ایران*، به کوشش فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت، ص ۳۴۲.

۵. آمیه، پیر، (۱۳۴۹)، *تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی*، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲.

6. Ghirshman.r, (1950), masjid-i-solaiman:residence des premiers achemenides, syria27, pp:202-220, p204.

می دانست.<sup>۱</sup> به طور کلی نظریه گیرشمن با مطالعات جدیدی که درباره پارس و پارسیان صورت گرفت به طور کلی اعتبار خود را از دست داد.

شاید سواحل جنوبی دریاچه اورمیه را مکان پارسوا پیشنهاد کرد و بسیاری از پژوهشگران آن را پذیرفتند. این نظریه نزد پژوهشگرانی چون گیرشمن که در نوشتۀ هایش به مهاجرت پارسیان از طریق کوه‌های قفقاز و شمال غربی اشاره داشت از مقبولیت بیشتری برخوردار بود.<sup>۲</sup> استریک و بیلربک که دیدگاه‌شان بسیار به هم نزدیک بود مکان پارسوا را محدوده مهاباد و زرینه‌رود در جنوب شرقی دریاچه اورمیه پیشنهاد کردند.<sup>۳</sup> لوبن معتقد بود پارسیان در واقع از همین مکان یعنی زاگرس مرکزی بود که در نهایت در دوره آشور جدید یا شاید بعدتر در دوره بابل به داخل پارسه / انشان نفوذ کردند. به سخن دیگر برخلاف نظریات پیشین که مکان پارسوا را در جاهای مختلف از جنوب دریاچه اورمیه تا ماهی دشت در کرمانشاه مطرح کرده‌اند<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد که سرزمین پارسوا، پارسواش و پارسوماش که به طور مکرر در کتبیه‌های آشوری از آن نامبرده شده است باید شامل سرزمین گسترده‌تری باشد که احتمالاً از ماهی دشت آغاز و تا کرمان و یزد در مرکز ایران و جانب غرب و جنوب غربی تا مرزهای شرقی ایلام یعنی سرزمین انشان در فارس امروزی امتداد داشته است.<sup>۵</sup> با توجه به این گزارش‌ها به نظر می‌رسد پارسی‌ها در بخش جنوبی و شرق زاگرس مستقر شدند که قلمرو آن‌ها از جانب غرب و جنوب غربی به سرزمین ایلام که در آن زمان پارسوماش<sup>۶</sup> یا پارسواش نامیده می‌شد و در شرق به کرمان و یزد، در جنوب، خلیج فارس و در شمال به سرزمین مادها محدود می‌شد.<sup>۷</sup> البته با گسترش سیاسی این حکومت در زمان اردشیر اول وفتح بابل، لشکرکشی‌های کمبوجیه به سرزمین‌های غربی مانند مصر و افريقا، فتوحات داریوش، حوادث عصر خشیارشا در مصر و اروپا، رویدادهای تاریخی زمان اردشیر اول درباره مصر و عربستان، حملات نظامی اردشیر دوم و نیز رویدادهای تاریخی اواخر این

۱. Stronach, David, (1974), achaemenid Village I at Susa and the Persian Migration, Iraq, XVI, p244

۲. Girshman, (1961), iran:from earliest times to the Islamic conquest, London, p91.

۳. Levine, L.D, (1974), Geographical in the new-assyrian Zagrose- II- Iran, 12, PP 99 - 123

۴. Levine, L. D. (1969). Contribution to the Historical Geography of the Zagros in the Neo-Assyrian Period, Ph.D. dissertation, University of Pennsylvania,p:142

۵. ایمان‌پور، مکان جغرافیایی پارسوا، پارسوماش، پارسواش، ص ۳۷.

۶. میرسعیدی، نادر، (۱۳۹۰)، ایران باستان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ص ۲۷.

۷. ایمان‌پور، مکان جغرافیایی پارسوا، پارسوماش، پارسواش، ص ۵.

دودمان وسعت جغرافیایی نیز چندین باز تغییر یافت. مثلاً ناحیه شرق رود سند و بخش جنوبی کوههای هیمالیا و پاراپانیساد را فرا می‌گرفت. سرحدات غربی نیز شامل سرزمین‌های وسیع آسیای صغیر و ساحل دریای سیاه بخشی از ارمنستان بزرگ، کوههای توروس و رود فرات و سواحل جنوبی دریای سیاه را در بر می‌گرفت و سرانجام نواحی سوریه با بنادر معروف آن و بخشی از لبی و برقه در زمرة این قلمرو بود.<sup>۱</sup>

منابعی که از گسترش قلمرو هخامنشی، ایالات و شهرستان‌های آن یاد می‌کنند از حمله کتیبه‌های عصر هخامنشی مانند کتیبه آریامنه شاه پارسه و نیز استوانه کورش پس از فتح بابل و کتیبه‌های داریوش در بیستون، تخت جمشید و نقش رستم و غیره از جمله منابعی است که می‌توان به دامنه وسعت سرزمین هخامنشی و شهرستان‌های آن پی برد.<sup>۲</sup>

## معناشناسی واژه پارس

نخستین استناد و مدارکی که اطلاعاتی درباره واژه پارس می‌دهند متون آشوری است. نامی که در این متون آمده پارسوآش و پارسوماش است. دانشمندان این نام را با محل پارسه و پارس که در کتیبه‌های هخامنشی آمده تطبیق داده‌اند. در گزارش سناخیریب پادشاه آشور که حوادث سال ۶۹۱ ق.م در مورد جنگ حلوله (هلول) را نوشته است، از جنگجویانی که از پارسوآش بوده‌اند نامبرده شده است.<sup>۳</sup> آنان به تدریج توانستند سرزمین انشان و سپس ایلام را تصرف کنند و نام قبیله خود را که در فارسی باستان پارسه آمده است به منطقه بدنه‌ند و این نام به سرزمین قوم پارس، تقریباً ایالت فارس کنونی و پایتخت هخامنشیان، تخت جمشید داده شد. پارسوآش ترجمه آشوری نامی است که در فارسی باستان پارسه از آن مشتق شده و شکل نخستین فارس کنونی که به همان ناحیه اطلاق می‌شود، همان پرسیس یونانیان است.<sup>۴</sup>

از منابع ایران باستان، نخستین بار نام پارس در کتیبه‌های هخامنشی نوشته شده است. پارس در این کتیبه‌ها در معانی ایران، ایالت پارس و قبیله هخامنشی بیان شده است. از جمله در کتیبه بیستون ۱ بند ۱. وقتی که داریوش از رفتن کمبوجیه به مصر صحبت

۱. میراحمدی، مریم، (۱۳۹۳)، تاریخ تحولات ایران‌شناسی، تهران، طهری، ص ۷۳.

2. Spiegel,f,(1881),die alt persische keilin schriftn, Leipzig, p85.

۳. مجیدزاده، یوسف، (۱۳۸۸)، تاریخ و تمدن بین‌النهرین، جلد یک، تاریخ سیاسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۲۷۴.

۴. دیاکونوف، تاریخ ماد، ص ۸۷.

می‌کند پارس به معنی ایالت آمده است.<sup>۱</sup> یکی دیگر از معانی پارس که از کتیبه‌های هخامنشی به دست می‌آید مفهوم قوم و قبیله پارسی است.<sup>۲</sup>

بر اساس کتیبه‌های کاتال سوتز و نقش رستم قلمرو حکومت داریوش، پارس و پارسی در مفهوم استان پارس نیست بلکه تمام قلمروی بوده که به نام سرزمین پارس معروف شده است. پارسه و پارس را می‌توان نام اصلی تخت جمشید دانست. کتیبه خشیارشا (XPa) که بر پیشانی دو درگاه اتاق و روای تخت جمشید نوشته شده است از پارس نام می‌برد. «بسیار ساختمان خوب دیگر در این شهر پارس ساخته شد که من ساختم و پدرم ساخت». در این کتیبه تخت جمشید با نام پارس بیان شده است.<sup>۳</sup>

هرودوت درباره خاستگاه نام پارسیان آورده است که پارسیان نام خود را از پرسه (پرسیس) پسر پرسنو (پرسنوس) گرفته‌اند و پرسنو یکی از پسران زنوس خدای بزرگ یونانیان و هم‌پایه اهورامزدا بوده است. نیای بزرگ ما پارسیان، پرسنوس پسر پرسه بوده و پرسه پسر دانانه و آنرویدا دختر کفوس. در ادامه روایت آمده است که پارسیان پیش از آن که بدین نام خوانده شوند، دو نام کهن‌تر دیگر داشته‌اند که عبارت‌اند از: کِفن و آرتیان. در روزگارهای کهن یونانیان آنان را کِفن‌ها می‌گفتند ولی خود ایشان و همسایگانشان آنان را آرتیان می‌نامیدند.<sup>۴</sup>

در نوشته‌های بابلی و رومی نیز نام پارس در مفاهیم مختلف آمده است. در سالنامه بابلی در گزارش سال ۵۵۰ق.م از کورش بزرگ به عنوان شاه انسان نام برده شده است.<sup>۵</sup> پارسه در اینجا ایالت پارس است. گرشویچ می‌نویسد: «تلفظ اکدی پارسوا نمایانگر پارساوای ایرانی است که احتمالاً به معنای مرز و سرزمین مرزی بوده است».<sup>۶</sup> استرابو در بیان جغرافیای آریانا به نقل از اراتوستن نیز پارس را در مفهوم ایالت پارس می‌نویسد.<sup>۷</sup> گزنهون پارس را در معنی ایالت پارس به کار برده است.<sup>۸</sup> نام پارس در نوشته‌های کهن روم به شکل پرسیس، پرسیکوس

1. Kent, Roland G. (1950). Old Persian; grammar, texts, lexicon. New Haven: American Oriental Society, DB I, 10. 27-35, p117

2. Ibid, p118

3. Ibid, p148

4. هرودوت، (۱۳۹۵)، تاریخ هرودوت، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، اساطیر، ص ۱۵۰.

5. ایسانپور، محمدتقی، (۱۳۸۳)، مکان جغرافیایی پارسه داریوش، مطالعات تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۵، ص ۳.

6. گرشویچ، ایلیا، (۱۳۸۷)، تاریخ ماد، ترجمه بهرام شالگونی، تهران، جامی، ص ۱۲۶.

7. استрабو، (۱۳۸۲)، جغرافیای استрабو، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، بنیاد آثار ایرج افشار، ص ۳۱۰.

8. گزنهون، (۱۳۸۰)، کورش نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران، علمی و فرهنگی، ص ۶.

و پرسیکون به کاررفته است.<sup>۱</sup> پارس به معنی سرزمین و کشور پارس در سفرنامه نتارخو دریاسالار مقدونی که در سال ۳۲۶ ق.م به دستور اسکندر دریایی پارس را پیمود و تا دهانه رود سند پیش رفت نیز آمده است.<sup>۲</sup> فرهنگنامه‌ها و لغت‌نامه‌ها و منابع اولیه دوره اسلامی نیز برای واژه پارس معانی مختلفی ارائه داده‌اند:

پارس به معنی نام قومی ایرانی ساکن جنوب ایران<sup>۳</sup> به حرکت رای مهمله معرب پارس است.... لفظ فارسی حقیقتاً منسوب به فارس است.<sup>۴</sup> قوم پارس از قبایل آریایی ایران.<sup>۵</sup> پارس، ایالتی از شاهنشاهی ایران.<sup>۶</sup> آموزگار می‌نویسد: «فارسی یا پارسی منسوب به پارس مشتق از صورت ایرانی باستان پارسه است»<sup>۷</sup> که نام سرزمین فارس است و منسوب به آن در زبان فارسی میانه پارسیگ است.<sup>۸</sup> پیگولوسکایا نیز از پارس به مفهوم سرزمین ایران یاد کرده است.<sup>۹</sup>

در یک جمع‌بندی با توجه به نظرات فوق درباره واژه و خاستگاه پارس می‌توان گفت: نخستین واژه‌های مرتبط با پارس، پارسوماش و پارسواش و پرسوا، در نوشته‌های شاهان آشوری قرن هشتم ق.م بیان شده است. این واژه از قرن ششم پیش از میلاد وارد در کتیبه‌های هخامنشی گردید. از کتیبه‌های این دوره چنین استبطاط می‌شود که این واژه در مفهوم سرزمین پارس و قبیله پارسی بیان شده است. نام پارس ابتدا شامل استان فارس می‌شد. پس از آن که قدرت هخامنشیان افزونی یافت و نقاط مختلف دیگر را تصرف کردند، این نام ضمن آن که بر استان فارس اطلاق می‌شد فراگیر شد و کل مردم ایران را پارسیان گفتند و شاهنشاهی هخامنشی هم پارس نامیده شد.

•

۱. الهی، همایون، (۱۳۶۸)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، توسع، ص.<sup>۹</sup>.

۲. افشار یزدی، ایرج، (۱۳۷۶)، کتاب جغرافیای تاریخی پارس، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ص.<sup>۸۱</sup>.

۳. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران، امیرکبیر، ذیل واژه.

۴. فرهنگ آندراج، (۱۳۳۶)، ویراستار محمد پادشاه مخلص به شاد، زیر نظر محمد دیرسیاقی، تهران، خیام، ذیل واژه.

۵. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ذیل واژه.

6. Kent, (1950). Old Persian; grammar, texts, lexicon, p196

۷. آموزگار، ژاله، (۱۳۸۶)، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سمت، ص.<sup>۳</sup>.

۸. ارانسکی، یوسف میخانیلوویچ، (۱۳۷۸)، زبان‌های ایرانی، ترجمه‌علی اشرف صادقی، تهران، سخن، ص.<sup>۴۶</sup>.

۹. پیگولوسکایا، ن.و، (۱۳۷۲)، شهرهای ایران، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی، ص.<sup>۶۹</sup>.